قاب کوچک
ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
۷ خرداد ۱۴۰۱ • شماره ۸۰۱



خانواده‌های مذهبی مومن و متعهدی که طرفدار حجاب و سبک زندگی ایرانی- اسلامی هستند یا حتی ترجیح داده‌اند قواعد مورد تایید انقلاب را بپذیرند فیلم و سریال‌هایی را می‌بینند که از تلویزیون پخش می‌شود این یعنی ضوابط و قواعد تلویزیون را بیشتر می‌پذیرند

یادداشت

مثل خود شنبه...



سیناعلی‌محمدی
روزنامه‌نگار

یکی از همان شنبه‌های قشنگ خدا بود. از همان شنبه‌هاکه قرار است تحول اساسی‌ای را در زندگی‌مان رقم بزنیم، سخت‌ترین تصمیم‌ها را بگیریم و خلاصه هر کدام‌مان به‌نوعی از سرخط شروع کنیم به نوشتن...

آن شنبه اما همین روزها نبود. از سال‌های کمی دورتر حرف می‌زنم. از یکشنبه بهاری در سال ۸۴ که برای اولین‌بار از پله‌های روزنامه جام‌جم بالا رفتم و در تحریریه وزینش نشستم. آن روز را با تمام جزئیات، گوشه ذهنم ثبت کرده‌ام. یک نسخه از روزنامه که روی میز گروه فرهنگ و هنر بود را ورق زدم و رسیدم به ضمیمه «قاب کوچک»؛ ضمیمه‌ای ویژه رادیو و تلویزیون. برایم همان موقع هم سوال شد که چرا شنبه را به این ویژه‌نامه اختصاص داده‌اند و چرا به نامش پسوند کوچک افزوده‌اند.

برای هر دو سوال تقریبا هیچ‌وقت پاسخ منطقی پیدا نکردم، تا امروز که قرار است هر شنبه با همان قاب کوچک، مهمان شما باشم؛ مهمانی که قرار نیست با کت و شلوار و خیلی رسمی و اتوکشیده به خانه شما بیاید. ما مثل خود شنبه، قرار است تحولگرا باشیم و در اولین قدم، تیپ‌مان را تغییر می‌دهیم و لباس صمیمی‌تری می‌پوشیم، خیلی راحت و خودمانی می‌نشینیم کنارتان و در این قاب کوچک، درباره یک رسانه‌ملی و بزرگ گپ می‌زنیم. ما مثل آن شنبه دوست‌داشتنی، قرار است رژیم هم بگیریم؛ یک رژیم اخلاقی، رفتاری و رسانه‌ای. قرار است درست‌ها را درشت بنویسیم و البته کاستی‌ها را هم دیگر زیرسبیلی رد نخواهیم کرد. اصلا هر از گاهی باید یک سوزن به خودمان و خانواده صداوسیما بزنیم.

قاب کوچک نامش شاید پسوند کوچک داشته باشد اما قرار است بزرگ باشد و بزرگ نگاه کند و یک ضمیمه راهبر و جریان‌ساز شود، ان‌شاءا... باکمک همه شما.

نگاهی به مسیری که شبکه نمایش خانگی طی سال‌های گذشته طی کرده

همیشه، راه میانه، راه درست نیست



کیوان امجدیان
روزنامه‌نگار

تا چند سال پیش از آن‌که شبکه نمایش خانگی شرایط و شکل امروز را پیدا کند و سریال پشت سریال از آن بیرون بیاید، بعضی‌ها اعتقاد داشتند تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در نوع پیشبرد مسیر تولیداتش و همچنین پوشش‌ها و روابط، شرایط و ضوابطی دارد که به‌واسطه این شرایط، مخاطبانش ممکن است ریزش داشته باشند و ترجیح دهند به سراغ خوراک‌های دیگری بروند؛ اول به شبکه‌های ماهواره‌ای و بعدتر به فضای مجازی مراجعه کنند. شاید اصلا با همین توجیه بود که شبکه نمایش خانگی وقتی به راه افتاد، شکل و شمایل و ضوابطش در این مسیر تغییر کرد. با این تغییر، تصمیم گرفتند قواعد و ضوابط نمایش در شبکه نمایش خانگی را کمی متفاوت‌تر از تلویزیون وضع کنند. قواعد و شرایطی که باعث شد مردم آن را به شرایط دوگانه تعبیر کنند.

بعد از آن بود که شبکه‌های نمایش خانگی و پلتفرم‌های مختلف به بهانه جذب مخاطب حد وسط و کشاندن طیف خاکستری برای تماشای محتوای ارائه شده و... تا توانستند از خط قرمزها گذشتند و قواعد و ضوابط را زیر پا گذاشتند اما نتیجه این ماجرا معکوس بود. حالا دیگر اغلب مردم به این نتیجه رسیده‌اند که از قضا این راه منطقی و معقولی نیست و مردم به واسطه این‌که فلان بازیگر پوشش سبک‌تری دارد یا مثلا روسری‌اش را پشت سرش گذاشته یا لباس‌های دور از هنجاری پوشیده است، جذب سریال‌ها و فیلم‌های شبکه نمایش خانگی نمی‌شوند.

حالا دیگر این موضوع اثبات شده است اگر مردم بخواهند سریال یا فیلمی از شبکه نمایش خانگی را انتخاب کنند به‌واسطه داستان جذاب، نوع ساختار آن و بازیگران آن است و نه به خاطر این‌که شکل و شرایط پوشش در آن نسبت به تلویزیون متفاوت است. افرادی هم که قرار باشد معیار انتخاب‌شان پوشش و لباس باشد، یقینا به سراغ سریال‌های شبکه نمایش خانگی نمی‌روند و انتخاب آنها از منابع و مجاری دیگری است. منابعی ازجمله ماهواره‌ها و بعضی کانال‌ها و صفحه‌ها و بخش‌های دیگر فضای مجازی...

از قضا، خانواده‌های مذهبی مومن و متعهدی که طرفدار حجاب و سبک زندگی ایرانی- اسلامی هستند یا حتی ترجیح داده‌اند قواعد مورد تایید انقلاب را بپذیرند، فیلم و سریال‌هایی را می‌بینند که از تلویزیون پخش می‌شود. این یعنی ضوابط و قواعد تلویزیون را بیشتر می‌پذیرند.



اگر تلویزیون بتواند در داستان و نوع ساخت و سایر موارد، آثاری جذاب و خوش ساخت با بار دراماتیک قابل قبول و بهتر از شبکه نمایش خانگی ارائه دهد، ترجیح مخاطبان انتخاب آن سریال‌هاست. آنها تلویزیون را انتخاب می‌کنند نه شبکه نمایش خانگی را. حالا دیگر معلوم شده است که نوع پوشش دورتر از پوشش تراز جامعه اسلامی و دورتر از سبک ایرانی- اسلامی نه‌تنها برای مردم امتیاز محسوب نمی‌شود، بلکه از قضا نمره منفی برای آن است. خانواده‌های معتقدتر ترجیح می‌دهند با خیال راحت، کنار یکدیگر سریالی را از تلویزیون ببینند و آنهاکه به این موارد اعتقاد ندارند هم ترجیح می‌دهند سریال‌ها یا فیلم‌هایی نزدیک به سبک زندگی و پوشش غربی ببینند. این افراد هم، خوراک‌شان را نه از شبکه نمایش خانگی بلکه از راه‌های دیگر دریافت می‌کنند. در نتیجه این‌که گمان کنیم در این مورد خاص حد وسط جواب می‌دهد، عین سادگی است. همه این مسیر نشان داده است صداوسیما مسیر درستی در پیش گرفته و شناخت درستی از مخاطبانش دارد.

ستاره‌های واقعی در رسانه ملی



زینب مرتضایی فرد
سردبیر برنامه
«سطر آخر»

همیشه حرف بسیار است از این‌که مواجهه صداوسیما با کتاب چگونه است یا این‌که در دنیای امروز مدام توجه به کتاب کمتر می‌شود و رسانه‌های دیگر در زندگی انسان‌ها پررنگ‌تر می‌شوند. این اتفاق البته تا حد زیادی طبیعی است، روزگاری کتاب رسانه بود و شاعران و نویسندگان تنها دارندگان این رسانه جمعی اما حالا تعداد رسانه‌های جمعی بسیار است و اغلب آنها هم رنگ‌ولعابی دارند که اگر حواسمان نباشد، می‌توانند به راحتی مچ کتاب را بخوابانند. حالا می‌شود رسانه‌های دیگر را تعطیل کرد و گفت آی مردم کتاب باکیفیت‌تر است؟ نه می‌توان و نه درست است! هر رسانه‌ای جایگاه خودش را دارد و این سیاستگذاران هر جامعه هستند که می‌توانند در میزان توجه مردم به رسانه و فرهنگ اثرگذار باشند. مثلا می‌توان کتاب خوب را به رادیو و تلویزیون آورد.

چه اشکالی دارد که برای متن خوب فرش قرمز هم پهن کنیم و با احترام بیاوریمش مقابل مردم؟ این سال‌ها برنامه‌های مرتبط با کتاب کم نبوده‌اند، هرچند انتقادات هم کم نبوده‌اند اما از دریچه همین تجربه‌هاست که می‌توان رسید به برنامه مطلوب و اثرگذار. می‌توان رسید به این‌که چطور باید برنامه‌ای جذاب داشت که صرفا هم سلبریتی‌محور نشود و نخواهد برای حفظ و جذب مخاطب سراغ چهره‌های کتابی و غیرکتابی رفت. کم‌کم می‌شود یاد گرفت چطور ستاره‌های واقعی را لابه‌لای صفحات کتاب‌ها پیدا کرد و با لبخندهای طلایی‌شان و دردهای واقعی‌شان مقابل دوربین زندگی کرد.

این اتفاق در «سطر آخر» برنامه‌ای که هفته گذشته به مناسبت آزادسازی خرمشهر از شبکه یک سیما پخش شد، رخ داد. و چه اتفاق شیرینی هم بود، مرور کتاب‌های خوبی که حالا جز نسخه‌های کاغذی و صوتی و الکترونیک‌شان یک برنامه تلویزیونی هم برای خود دارند. این اتفاق مبارک را باید پی گرفت، با همراهی ناشران و با برنامه‌ریزی و مدیریت رسانه ملی. می‌توان هم به کتاب‌ها فرصت دیده شدن داد و هم به مردم فرصت این مواجهه خوب را. چه اتفاقی بهتر از این؟